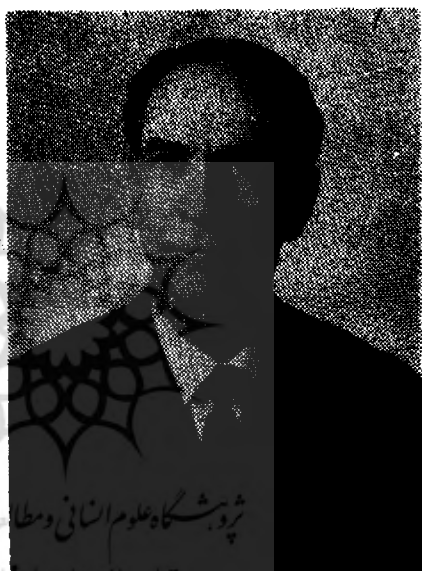


# دو سند تاریخی از دولت انگلستان و شرکت سابق نفت زمان خلع پداز شرکت مزبور



دکتر شمس الدین امیر علایی

یاد آنروزها بخیر خون در رگهای مردم میجوشید سالها خشم در سینهها انباشته بود برای بروز و ظهور پی فرصت مناسب میکشت بقول معروف «سینه میکوید که من تنگ آمدم فریادکن» آری این فرصت بدست آمد و ملت ایران که از ظلم و ستم استعمار انگلیس به تنگ آمده بود فریاد مظلومانه خود را بلند کرد و موج صدای حق از گلوی مردم طنین انداز شد و فضای ایران و جهان را تسخیر کرد این چنین شد و نهضت مقدس خلق همه گیر گردید و از تمام نقاط کشور فریاد اعتراض بر علیه شرکت سابق نفت برخاست همه فریاد میزدند: آزادی - رهائی از یوغ استعمار - آقائی و سیادت - نوکری کافی است - دست

اجانب از محیط ایرانی کوتاه - ما برای استیفای حقوق ملت ایران بپاخاسته ایم و تا پیروزی نهائی پرچم برافراشته نهضت مقدس ایران را همچنان به پیش میرانیم و از پای نخواهیم نشست این است شعار ما، ملت و دولت همصدا بودند و این بود سرپیشرفت این نهضت. آتش اشتیاق در دل میهن پرستان زبانه میکشید شعرا و نویسندگان قلمفرسایی میکردند و حماسه های وطنی غرور ملی را در دل شیفتگان راه آزادی بارور میکرد مقالات آتشین جرائد افکار مردم را منعکس مینمود و به کومک خلق میشناخت درجه حرارت جامعه و تب عشق به میهن بحداعلای خود رسیده بود و سیر صعودی میکرد شیر انگلیس در برابر اتحاد مردم ایران و احکام دادگاه های بین المللی که حق را بجانب ایران دادند ناتوان شده بود و به تزییر و ریا چون روپاهی محیل متوسل میشد ولی کار از کار گذشته بود و کاسه صبر مردم لبریز شده بود و تشبثات دیگر مفید نبود.



قاضی انگلیسی دادگاه لاهه

( در اینجا لازم میدانم عکس

آقای سر آرنولد مک نیر

**SIR ARNOLD McNAIR**

قاضی انگلیس را که در دادگاه لاهه

حق را بجانب ایران داد بپاس حقگزاری

از يك عنصر مستقل و شریف و يك

انسان واقعی که بعداً بریاست دادگاه

لايه گماشته شد و لقب لرد Lord

گرفت و معروف به Lord me Nair

شد چاپ کنم. این منحصر عکسی است

در ایران که از طریق دادگاه لاهه

بدست آورده ام) باری در برابر صدای

حق و افکار عمومی استعمار

موقتاً عقب نشینی کرد تا نفسی تازه کند و بار دیگر براسب مراد سوار شده و حلق مردم ایران را بفشارد آرزوی همه این بود که یکبار و برای همیشه استعمار از کشور رخت بر بندد نه اینکه از در خارج شده و از پنجره داخل شود این دیگر مبارزه سرنوشت بود و ملت رنج دیده ایران با دیو استعمار پنجه نرم میکرد و دیگر حاضر نبود بیگانه چون زالو خوشش را بکشد و زر سیاه یعنی نفت را به ثمن بخش از چاه های خوزستان جذب کند و جز بدبختی

و فقر و نوآوری و تجاوز به حکم حاکمیت ماچیزی برایمان باقی نگذارد ولی حصول این آرزو به آسانی میسر نبود زیرا بیگانه طعمه خود را زها نمیگرد او سالها ارباب و صاحب بود و توانسته بود عقده حقارت درقشرهای مختلف جامعه ایجاد کند و پرچم زور و قدرت را در کشور ما کوبیده بود برهستی ما تسلط یافته بود و مردم ایران را چون بردگانی ناتوان استعمار میکرد تنها اتفاق و اتحاد ملت و دولت به این قدرت پایان میداد او باطول زمان بر تمام شئون کشور و دستگاه حاکمه تسلط یافته بود ریشه این سیادت چون سرطانی بر تمامی وجود اجتماع ما مستولی شده بود و رهائی از این مرض مزمن و خطرناک دشوار مینمود اما اراده خلق اراده خداست و خدای ایران پشتیبان ملت ما بود هیچ عاملی نمیتوانست بایک پارچگی و نهضت مردم مبارزه کند .

آری هر زمانی که ملت پشتیبان دولت و دولت مجری افکار و امیال ملت باشد کومه مشکلات از پیش پای خلق برداشته میشود با این حال استعمار دنفدانهای تیز خود را نشان میداد و آخرین تلاش مذبحخانه خود را برای حفظ قدرت بکار میبرد. ناو جنگی موریشس در آبهای ایران پهلو گرفته بود و بیم آن میرفت که زور برحق غلبه کند اما ملت ایران و بالاخص شیردلان خوزستان مصمم بودند که با دشمن نبرد کنند و برای همیشه جان خود را از چنگال شرکت نفت خلاصی بخشند و منافع سیاسی و اقتصادی و حق حاکمیت خود را از چنگال ظلم برهاند باین جهت کشتی موریشس را بیازی میگرفتند و بچه ها با تیروکمان های خود به بدنه کشتی سنگ پرتاب میکردند و از صدای آن که گوئی بردهلی خالی میخورد لغت میبردند اخبار آشفته ای هر آن از مقامات رسمی محل بمن گزارش میشد ولی لحظه ای هم در تصمیم دولت و مردم خلل وارد نمیساخت زیرا همه آماده بودند که به قیمت جان خود از آب و خاک وطن دفاع کنند بقول شاعر ملی ما ادیب برومند که دوبیت از قصیده نغز و پر مغز ایشان بمناسبت رومی میشود و بیان کننده حوادث زمان است در برابر مقاومت مردم چاره ای جز تسلیم نداشتند و میبایست به غارتگری چندین ساله خود بهر تقدیر خاتمه دهند و بساط خود را جمع کنند .

(شرکت غاصب نفت آنکه به نیرنگ و بیه زور

کرد بر ما ستم و برد فراوان زر و سیم

دید یک جنبش مردانه ز مردان که نداشت

در بر قدرت او چاره بغیر از تسلیم )

در این وضع و حال آشفته بود که من با ابلاغ مخصوص نخست وزیر وقت مأموریت

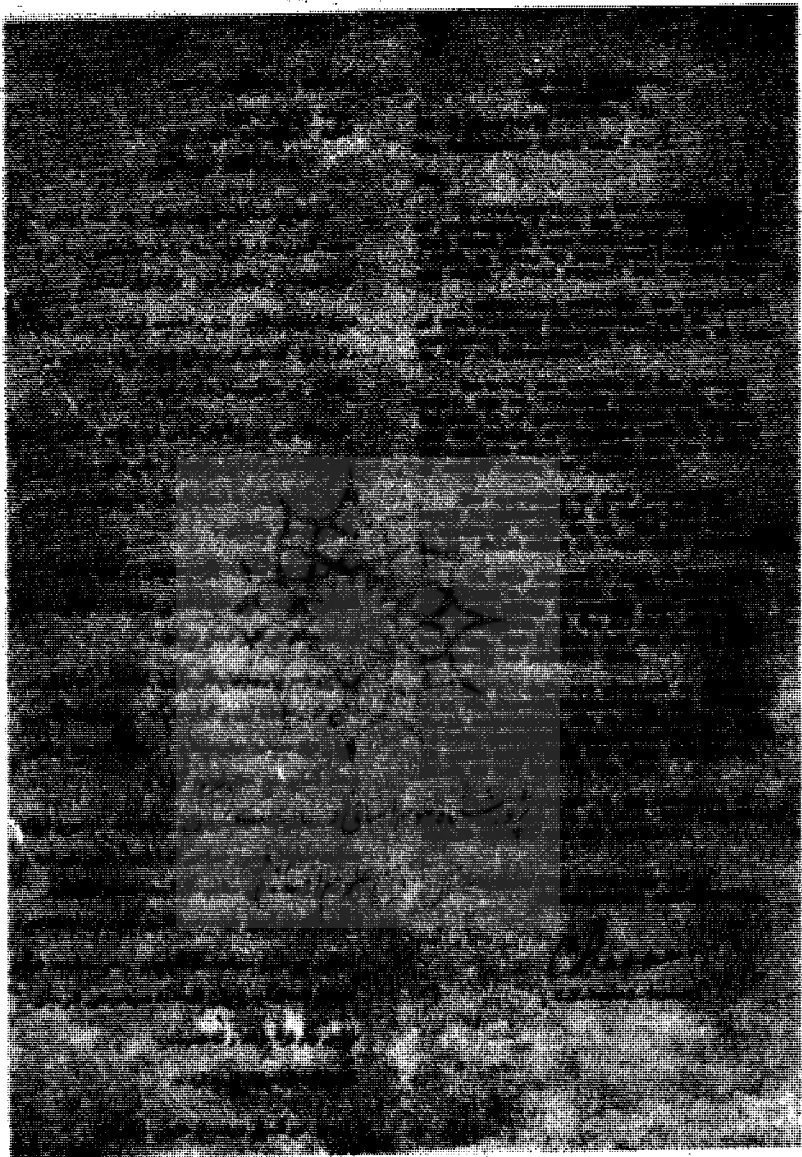
یافته بودم که بعنوان مأمور فوق‌العاده دولت برای نظارت در امر خلع ید با داشتن سمت وزیر اقتصاد و اختیارات استاندار بخوزستان بروم و در این مبارزه سهمی داشته باشم. در ماه خرداد ۱۳۳۰ رهسپار مأموریت شدم هوا بشدت گرم بود ولی شوق انجام وظیفه و مأموریت خطیری که بمن ارجاع شده بود تمام سختی‌ها را برابر چشمانم ناچیز جلوه میداد اگر خواسته باشم شرح این مأموریت را به تفصیل بدهم کتاب قطوری خواهد شد که نه در این مقاله مجال بحث آن هست و نه فرصت مناسب است لذا بوقت دیگری موکول میکنم منظور از نوشتن این‌سطور که بخواست مجله وحید برشته تحریر درمیآید ارائه و چاپ دو سند مهم تاریخی است تا از دستبرد حوادث مصون بماند لذا فوتوکپی هر دو آن برای درج در مجله تقدیم خوانندگان میشود :

۱- يك سند عبارت از یادداشت رسمی قونسول دولت انگلستان آقای کوپر در خرمشهر است که خطاب به این جانب فرستاده است و ارسال این یادداشت بعد از ملاقاتی است که قونسول مزبور بنا بر تقاضای خودش از من بعمل آورده بود. این یادداشت در اثر احساسات پرشور مردم و سخنرانی‌هایی که سروراً ایراد میکردید تنظیم شده. اهمیت این یادداشت از این بابت است که همیشه دولت انگلستان ادعا میکرد که شرکت نفت با دولت ایران طرف دعوی است نه دولت انگلیس و حال آنکه همه میدانند که اکثریت سهام شرکت متعلق به دولت انگلیس بود ولی با وصول این یادداشت نماینده انگلستان (یعنی آقای کوپر قونسول خرمشهر) که بنا بر مدارک موجود نزد این جانب پس از شکایت و مراجعه تلگرافی به سفیر انگلستان در تهران و جلب نظر ایشان نوشته شده و یادداشتی هم از طرف سفیر انگلیس در تهران بوزارت خارجه ارسال گردیده بنا بر این ثابت است که ادعای دولت انگلستان خلاف واقع میباشد خاصه که در یادداشت تصریح شده است که بدون خواست دولت انگلستان اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت غیر عملی است ضمناً تشویش و نگرانی دولت انگلیس از نهضت ملیت ایران بخوبی هویدا است به این یادداشت که در صفحه ۴۳ عیناً گراور شده است چنین جواب دادم :

آقای سرکنسول دولت پادشاهی انگلستان :

وصول نامه مورخ ۱۳۳۰ ر ۳۲۱ جنابمالی را بدین وسیله اعلام میدارم .

اینکه در صدر نامه مزبور مرقوم فرموده‌اید بنیاستی اجازه داده شود نقطه‌های همچنان انگیز و بویژه ضد بیگانگان در حوالی محل داده شود، متذکر میشوم که در نقطه‌هایی که در پاسخ ابراز احساسات مردم شده است چیزی ضد بیگانگان نبوده است و سخنرانیها عموماً چاپ شده و صرفاً در مقابل احساسات ملی مردم اظهار امتنان شده و در خاتمه ناطقین مردم



یادداشت سر کنسول انگلیس

را به حفظ نظم و آرامش دعوت نموده‌اند. اشاره فرموده‌اید که همکاری دوستانه با بریتانیای کبیر برای ایران اهمیت عظیم دارد و بیان نطقها فقط تخم دشمنی میان عوام میافشاند» در

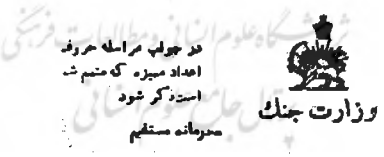
این موضوع ما تردیدی نداریم که همکاری و دوستی دولت انگلستان برای ما ذیقیمت بوده و در آتیه نیز این دوستی و همکاری برای ما مفید است ولی سخنرانیهائیکه تا حال شده است نه تنها تخم دشمنی بین عوام نمی افشاند بلکه نقطه های مزبور برای تخفیف دادن حسرات عامه و جلوگیری از بی تابی آنان در انتظار اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت بوده است مرقوم رفته است که «انتشار این نوع تبلیغات اگر هم حقیقتی در آنها باشد نامطلوب است. و این حقیقت که این تبلیغات ساختگی هستند آنرا بیشتر غیر قابل تحمل میسازد» در ذکر این نکته ناگزیر است که اظهار تأسف نمایم که جناب عالی تبلیغات و یا احساسات عمومی را ساختگی تلقی میفرمائید و حال آنکه ابراز این احساسات نه تنها ساختگی نیست بلکه خواسته منطقی و طبیعی و وجدانی ملت ایران است و این اقتساب به مردم ایران کاملاً نارواست و اگر این تبلیغات برای جناب عالی غیر قابل تحمل است برای ملتی که در قمر وبدبختی میسوزد و حق خود را مطالبه میکند عادی و طبیعی است. تقاضا شده است که دستور داده شود «نطقها ممنوع گردد» برای استحضار خاطر عالی اشعار میدارد که هیچگاه برای سخنرانی یا اجتماع دعوتی از مردم نشده بلکه چون موقع ورود این جانب و نمایندگان هیئت نظارت و هیئت مدیره موقت مأمور اجرای ملی شدن نفت به آیادان استقبال بی سابقه بعمل آمد و مردم ابراز احساسات نمودند از طرف این جانب و اعضاء هیئتها پاسخی باین احساسات بی شائبه داده شده و در خاتمه مردم به نظم و آرامش دعوت شدند و البته ملاحظه فرموده اید که مردم با حفظ نظم متفرق شدند و با کمال معقولیت به گفته های ما ترتیب اثر دادند. اینکه در خاتمه مرقوم رفته است که «شرکت سهامی نفت انگلیس و ایران حاضر است بامأمورین ایرانی همکاری بنماید و بدون همراهی آنها اجراء قانون ملی نمودن غیر عملی است و این مطلب جد است از اعتراضات دیگری که ممکن است مانسبت به قانون نامبرده داشته باشیم» متذکر می شود که همواره طالب همکاری کارمندان و کارکنان شرکت سابق نفت که طبق قانون مستخدمین دولت ایران شناخته میشوند میباشیم ولی از ذکر این نکته ناگزیر است که قانون در هر حال لازم الاجرا است و اجراء آن نیز بنظر ما عملی میباشد و دولت ناگزیر از اجراء آن است.

در پایان اضافه مینماید که قانوناً هر گونه مطلبی مربوط بکار شرکت سابق نفت انگلیس و ایران باشد بایستی مستقیماً در تهران از طریق وزارت دارائی بدولت شاهنشاهی اطلاع داده شود که مورد مذکره قرار گیرد. وزیر اقتصاد ملی و مأمور فوق العاده دولت در خوزستان.

پس از ارسال این جواب و در جریان گذاردن نخست وزیر ایشان طی شماره ۹۷۱۳۴  
 رخ ۳۰۳۲ تلگرافی بدین مضمون باین جانب مخابره نمودند که در واقع تأیید مطالبی است  
 در جواب برای سر کنسول انگلیس در خرمشهر فرستاده بودم .  
 اهواز جناب آقای امیر علایی از مراقبت و توجه مخصوص که در این موقع خطیر در  
 تمام امور محوله مبذول فرموده اید این جانب که مال امتنان و تشکر خود را ابراز میدارم  
 بوفیق پایان این خدمت مهم ملی را برای جنابعالی آرزو مندم .

دکتر محمد مصدق

۲ - سند دیگر مربوط است به قطع دو لوله نفت یکی نفت سیاه و یکی بنزین که  
 کت نفت محرمانه سالهای متمادی ( شاید بیست سال ) از زیر شط العرب بخاک عراق  
 دیده بود و نفت و بنزین ما را برایگان بدون پرداخت مالیات و قیمت آن غارت می کرد  
 بدون این که حتی طبق همان قرارداد لعنتی که مورد قبول خود شرکت بود لااقل مالیات  
 را بپردازد و در بیلان خود ذکر کند . یعنی بمبارت دیگر از نظر حقوقی دزدی میکرد  
 آن که تعریف دزدی درلسان حقوقی چنین است: در بودن ملکان در غیاب صاحب مال بدون  
 ای او و این عمل مصداق همین تعریف است . تفصیل آن چنین است که شخصی بنام آقای  
 مود شریفی کارمند پست و تلگراف و تلفون خرمشهر نامه نوشت و این مطلب را اطلاع  
 من هم به دریا دار شاهین رسماً دستور دادم در این باب تحقیق نموده نتیجه را اطلاع  
 فوتو کپی نامه در یاد از شاهین چاپ می شود .



اندره  
 تاریخ ۵/۳/۳۰  
 شماره  
 پست  
 تاریخ ۵/۳/۳۰

جناب آقای امیر طایق نمایند هیو الماد دولت و استاد ار استان ششم  
 مستحقاً با استعفاء عالی میسراند در جوابی تحفاتی که استعمال بوده اند اینکه  
 گزارش شده است که طبق اطلاع و تحقیقات معموله دوله یکن برای نفت سفید یا  
 بنزین دیگری نفت سیاه از کارخانه آبادان و خرمشهر بهر دو صاعه مرز به نوسه  
 ( موسوم به دیده نام ) لوله شط العرب بفرستاده می شود .

محمد مصدق

ایشان در جواب بمن نوشتند که دو لوله یکی برای نفت سیاه و دیگری بنزین از

کنار جاده آبادان و خرمشهر عبور نموده و مجاور مزرعه نمونه موسوم به دیری فارم ام  
تهشط العرب بخاک عراق میروده. البته دستور قطع لوله های مزبور داده شد و جریان نفت در این  
لوله ها متوقف گردید.

این بود گوشه اذطرز عمل شرکت سابق نفت در گذشته و اما نامه آقای شریفی:

تاریخ ۳۰/۳/۲۰

### آقایان هیئت مدیره موقت نفت ملی ایران و هیئت اعزامی از مرکز

با کمال احترام بعرض مبارک آن جنابان می‌رساند چون جنبشی برای ملی کردن نفت  
در تمام افراد ایرانی پیدا شده و با عزم راسخ پیای جان کوشش و تقلا خواهند نمود نفت  
را پس از پنجاه سال غارتگری از دست غارتگران انگلیسی بگیرند اولین قدم آن برداشته  
شده و بخواست خداوند متعال و پشت کار شما و پشتیبانی ملت ستمدیده ایران این امر حیاتی  
بوجه احسن بر گذار خواهد شد. بر هر فرد ایرانی واجب و لازم است که در این مبارزه  
ملی و امر حیاتی همکاری نمایند و پرده از رسوائی و دزدیدن و غارتگری های آنان بپا  
بزنند اینک بنده سهم خود اطلاعاتی که دارم بسمع اولیای امور می‌رساند.

بنده در شهریور ۱۳۲۰ بسمت بارنویسی در کشتیرانی گری مکنزی مشغول بودم در  
ساحل شط کارون و شط العرب که سرحد ایران و عراق باشد مشاهده شد که تابلو علامت  
خطر در ساحل کارون و شط العرب نصب شده و روی آن نوشته شده لنگرانداختن کشتی قدغه  
است و در زیر آن تابلوها از سمت ایران چند رشته لوله ده اینچی از ساحل کارون وارد  
شط شده عبور نموده در ساحل شط العرب در نزدیکی جزیره موسوم بچارته از آب بیرون  
آمده و داخل خاک عراق می‌شود پس از خبر دزدیده شدن نفت در کرمانشاه نفت شاه مر  
ایران و عراق بنده را آگاه ساخت و چنین تصور نمود که این چند رشته لوله‌هایی که از کارون  
عبور داده شده محتوی نفت یا بنزین بوده که به خاک عراق انتقال داده بدینوسیله  
نفت دزدی می‌شود این است که بعرض عالی جنابان می‌رساند تحقیق فرمائید و چنانچه  
مایل باشید برای راهنمایی بمحل مذکور آمده و قضیه را کشف فرمائید. در خاتمه چو  
از سال ۱۳۲۱ در اداره پست و تلگراف و تلفن خرمشهر مشغول انجام وظیفه شدم دیگر اطلاع  
از آن در دست ندارم.

بنده از روی این لحاظ عرض می‌کنم چون از قبل شهریور ۱۳۲۰ قشون انگلیس در  
عراق و بصره متمرکز بوده این چند رشته لوله‌های نفت را برای مصرف وسایل نقلیه قشون انگلیس  
برده شده یا اصلاً از این راه تا کنون نفت و بنزین و سایر مواد نفتی ما را دزدیده‌اند  
می‌دزدند البته تحقیقات و دنبال نمودن آن بسته به اموریت آن هیئت می‌باشد و باید  
قضیه کشف گردد. جان نثار محمود شریفی کارمند پست و تلگراف و تلفن خرمشهر.